

نقش عوامل موثر بر توسعه اقتصادی در استان لرستان

مهدی صفری احمدوند

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

چکیده

در این مقاله عوامل موثر بر توسعه اقتصادی در استان لرستان مورد بررسی قرار گرفته و ۱۱ عامل که به نظر می رسد با توسعه اقتصادی لرستان مرتبط می باشند، به عنوان ابعاد موضوع مطرح گردید. پس از آن به جمع آوری اطلاعات و شناسایی جنبه های مختلف موضوع از طریق مصاحبه با کارشناسان مختلف و مطالعات کتابخانه ای استفاده شده است. توسعه اقتصادی عبارت فراگردی است که درآمد سرانه واقعی یک کشور طی یک دوره بلند مدت افزایش می یابد. بطور کلی توسعه اقتصادی یک فراگرد و شامل عملکرد نیروهای به هم پیوسته ای است که به صورت مستمر با یکدیگر در ارتباطند. براساس فهرست وسیعی از انواع شاخص های اقتصادی، استان لرستان از نظر اقتصادی در بین استانهای کشور و در مجموع در اقتصاد ملی از موقعیت ضعیفی برخوردار است. با وجود منابع غنی طبیعی، تنوع آب و هوایی، آب فراوان، دشت های وسیع، معادن متنوع، نیروی کار جوان و فراوان و سرشار از قابلیت های گردشگری و ... این استان نتوانسته است به تناسب توانمندی ها و فرصت های خود از اقتصاد ملی سهم مناسبی کسب کند. نوسانات در نرخ رشد بخشهای مختلف اقتصاد استان، وضعیت توسعه یافتگی این استان را بسیار نامناسبتر جلوه گر می کند. تفکر علمی و توسعه اقتصادی، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، توسعه اقتصادی و تکمیل اقتصادهای پیشرفته صنعتی، بهره برداری از تنوع آب و هوایی، فرهنگ ها و آداب و رسوم، بهره برداری از تنوع طبیعی تولیدات، بهره برداری از میراث فرهنگی و سوابق تاریخی، توسعه بخش خدمات، همگرایی در تعریف صورت مساله و مفاهیم پایه، اعتماد عمومی به دولت و قوه قضائیه، اصلاح فرهنگ اقتصادی، اقتدار دولت برای رشد و هدایت بخش خصوصی، اصلاح نهادهای پولی و مالی، اصلاح نظام مالیاتی، تامین اجتماعی و ضرورت یارانه ها، وجه بیشتر به ماهیت طرح های سرمایه گذاری، دموکراسی و توسعه اقتصادی، از مهمترین راهکارها و لوازم توسعه اقتصادی در استان لرستان می باشد.

واژگان کلیدی

استان لرستان، توسعه اقتصادی، اقتصاد ملی، توسعه نیافتگی

مقدمه

استان لرستان به عنوان پل ارتباطی جنوب با مرکز کشور و یکی از مناطق مهم جغرافیایی اقتصادی و دارای ظرفیت های بالقوه و بالا در بخش های معدنی، صنعتی، کشاورزی و گردشگری در عرصه ملی، در صورت ادامه روندهای توسعه اقتصادی و با توجه به برخی نتایج ناموفق به دست آمده و تبدیل آن به بیکارترین استان کشور (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶) با مسائل و چالش های بسیار بیشتری روبرو خواهد شد. توجه به مسائلی نظیر بروز فراگیر فقر و بیکاری، وضع نامناسب توزیع درآمد، عدم امکان به کارگیری قابلیت های اقلیمی و طبیعی در فرآیندهای صنعتی و کشاورزی، سهم نامتناسب از تولید ناخالص ملی، نوسانات پر شدت روند سرمایه گذاری تولیدی، عدم بهره مندی از شرایط زیر ساختی و اعتبارات عمرانی مناسب، تعطیلی وسیع کارخانجات صنعتی، عدم دانش فنی متناسب با سطح تکنولوژی موجود، محدودیت های منابع مالی و اعتباری، سطح محدود و بعضاً روند کاهنده بهره وری، میزان بالای بار تکفل خانوار و... (سند ملی توسعه استان لرستان)، همگی از محدودیت ها و نقاط ضعفی به شمار می آیند که در شرایط خطیر و حساس آینده که همراه با اقتضائات و شرایط خاص خود خواهد بود. فرایند باز تولید مدارهای عقب ماندگی و توسعه نیافتگی را بیش از پیش و تداوم شدت خواهد بخشید (اشیری، ۱۳۹۲).

امروزه شهرنشینی که از مهم ترین جنبه های تغییر جهانی است (Li et al., ۵۹۷:۲۰۰۷)، در نیم قرن اخیر مقدمات رشد و توسعه گسترده شهری را فراهم آورده است (Qadeer, ۱:۲۰۰۴). به گونه ای که می توان گفت جمعیت شهرها افزایش یافته است ولی خدماتی که پاسخ گوی نیازهای مختلف شهروندان باشد، مطلوب نیست (Sohel Rana, ۳۲۲:۲۰۰۹). چنین وضعیتی سنخیتی با رشد زیرساخت های شهری ندارد، نیازهای مختلف انسانی را نادیده می گیرد و باعث می شود که توسعه فیزیکی شهرها لجام گسیخته شود و بدون توجه به پارامترهای انسانی - اجتماعی اتفاق افتد (کرم و محمدی، ۱۳۸۸: ۶۰). رشد شتابان شهرنشینی و ظهور شهرها پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشته و با آسیب های متعددی همراه شده است؛ به طوری که بیشتر شهرهای کشورهای درحال توسعه با وظیفه مدیریت نرخ بی سابقه رشد جمعیت، مهاجرت های مرکز گرا، جدا گزینگی مسکونی و اجتماعی، توزیع نامتعادل خدمات و امکانات، وجود فقر و محرومیت و بالاخره نابرابری اجتماعی و فضایی مواجه شده اند و تاکنون نیز نتوانسته اند برنامه های مؤثر را پی ریزی و مشکلات موجود را کنترل کنند (شیخی، ۱۳۹۳: ۲۴). تا جایی که پیترهاال چشم انداز این شهرها را با طرح سؤالی چنین توصیف می کند: آیا در شهرهای کشورهای در حال توسعه می توان به رهیافت هایی از برنامه ریزی شهری دست یافت و از طریق آن امید به افزایش درآمد و بهبود شرایط محلی همه شهروندان داشت؟ (Pfeiffer & Hall, ۲:۲۰۰۴).

در پاسخ به این شرایط نامطمئن آینده، ناکارآمدی مدیریتی و کاهش کیفیت زندگی در شهرها در عرصه جهانی، از اواخر دهه ۱۹۶۰ مفهوم و کارکرد عدالت اجتماعی وارد ادبیات جغرافیایی می شود و جغرافیای رادیکال و لیبرال را بیش از دیگر مکتب ها تحت تأثیر قرار می دهد. مسائلی نظیر رفاه اجتماعی، نابرابری های شدید، فقر، شیوع امراض، نژادپرستی، قوم گرایی، جرم و جنایت، انتظار عمر، اصالت زن و آلونک نشینی که تا آن زمان در جغرافیا فراموش شده

بود، به سرعت توجه جغرافیدانان را جلب می کند و هر یک از این موضوعات، جغرافیای خاص خود را می یابد (شکویی، ۱۳۹۲: ۱۴۱). عدالت فضایی به زبان ساده، ترکیبی از فضا و عدالت اجتماعی است (احمد توزه، ۱۳۹۲: ۲۳)؛ به گونه ای که امروزه در بین جغرافی دانان و برنامه ریزان نوعی گرایش به آن برای جلوگیری از بی عدالتی و جستجو برای عدالت و دموکراسی در جوامع معاصر وجود دارد (Souja, ۲۰۰۶: ۶). بر این اساس برخی عدالت فضایی را دسترسی برابر به تسهیلات عمومی تعریف کرده اند و معیار سنجش عدالت هم میزان فاصله از خدمات بوده است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۰). در برنامه ریزی شهری با نگاه کالبدی و اجرایی تر به موضوع، عدالت اجتماعی بیشتر بر اساس توزیع فضایی مردم و منابع تعریف می شود. از این رو عدالت فضایی، توزیع برابر منابع و خدمات تعریف می شود که به مبحث برقراری تعادل بر مبنای چه کسی، چه چیزی را چگونه به دست می آورد، اشاره دارد یا به مثابه اجرایی شدن عدالت سرزمینی یا همان برابر سازی در دسترسی به کالا و خدمات عمومی تعریف می شود که این دیدگاه به شدت در ارتباط با تفکر برنامه ریزی عادلانه است (Talen, ۲۰۰۲: ۱۶۸). همچنین عدالت فضایی طبق ایده ای که از عدالت اجتماعی گرفته شده است، به این معناست که باید ساکنان، دسترسی یکسانی به خدمات و تسهیلات عمومی داشته باشند، همچنین توزیع منطقه ای این امکانات، یکنواخت صورت گیرد و با شهروندان به طور برابر رفتار شود (Tsou, et al., ۲۰۰۵: ۴۲۵). برخی عدالت فضایی را فقط دسترسی مساوی به تسهیلات عمومی اساسی در یک فاصله معین مانند دسترسی به مدرسه، امکانات بهداشتی یا فعالیتهای فرهنگی و غیره تعریف کرده اند و معیار سنجش عدالت هم میزان فاصله از خدمات بوده است. برخی دیگر هم عدالت فضایی را توزیع یکسان خدمات بر اساس نیازها، سلاقی، اولویت های ساکنان و استانداردهای خدمات رسانی تعریف کرده اند (Liao, et al., ۲۰۰۹: ۱۳۸). در حالی که مفهوم عمومی عدالت فضایی این است که بایستی با تمام ساکنان در هر جایی که زندگی می کنند، به طور مساوی رفتار شود.

بیان مسأله:

از آنجا که توسعه فرایندی پیچیده و چند بعدی است که مستلزم تغییر ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر و برقراری عدالت اجتماعی و پایداری محیط می باشد. در کشور ما همچون اکثر کشورهای در حال توسعه در بخش اقتصادی و اجتماعی آن یک یا دو منطقه و نهایتاً چند منطقه دارای مسئولیت اصلی در زمینه ایجاد درآمد و تولید ملی و برخوردار از خدمات عمومی و بالطبع شکوفایی اقتصادی، اجتماعی بوده که به قیمت عقب نگه داشتن مناطق دیگر بوده است. برای این امر دلایلی چون استعداد آن مناطق و نواحی و پتانسیل های بالای اقتصادی آن در زمینه استحکامات زیربنایی و توان تولیدی مطرح می شود. ولی حتی با در نظر گرفتن این مسئله نیز نمی توان تدوین و اجرای برنامه ریزی های نامطلوب و متمرکز ۵۰ سال اخیر که باعث تبدیل کشور به چند قطب محدود و برخوردار و اکثریت عظیم محروم گشته است را نادیده گرفت (Fukiacelli, ۲۰۰۰: ۴۳). چنین وضعیتی در اکثر مناطق و استان های مختلف کشورمان صادق بوده و در کشور مبحث

توسعه و زیرساختهای آن در نواحی مختلف در اثر برنامه ریزی های نامطلوب ملی و متمرکز گذشته تفاوت شدیدی را در روند توسعه مناطق به وجود آورده است.

ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

با توجه به محرومیت استان لرستان و درصد بالای بیکاری جوانان این ناحیه لازم است با استفاده از تمامی امکانات و قابلیت ها در جهت رفع محرومیت، ایجاد اشتغال و کسب در آمد از راههای مختلف اقدام شود. گسترش صنعت جهانگردی به عنوان صنعتی که با حوزه های مختلفی نظیر اقتصاد، کشاورزی، فرهنگی، محیط زیست و خدمات در تعامل است، دارای اهمیت فراوانی است و تجربیات سایر مناطق جهان نشان داده که توسعه آن در هر منطقه باعث رشد و پیشرفت اقتصادی - اجتماعی آن ناحیه گردیده است، بنابراین می تواند به عنوان یکی از ابزارهای اصلی توسعه در استان لرستان مورد توجه قرار گیرد که در ادامه به تأثیرات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آن اشاره می شود.

تأثیرات فرهنگی و اجتماعی

اماکن تاریخی و باستانی به علت کم توجهی و نبود اعتبارات لازم جهت مرمت و نگهداری در حال تخریب و نابود شدن می باشند. در صورت توسعه صنعت گردشگری می توان انتظار داشت که از تخریب آثار تاریخی جلوگیری شده و اختصاص بودجه برای مرمت آن توجیه اقتصادی پیدا کند.

ضمناً با افزایش مراودات میان افراد بومی و مسافران مختلف، طرفین با فرهنگ، عادات و رسوم یکدیگر آشنا شده و شناخت فرهنگ های مختلف می تواند در ایجاد یک محیط امن و آرام برای زندگی بشر مفید واقع شود. البته درباره تأثیرات فرهنگی گسترش جهانگردی باید با احتیاط رفتار نمود تا آداب و فرهنگ و رسوم بومی آسیب نبیند.

پیشینه نظری تحقیق:

مفهوم توسعه و توسعه یافتگی تقریباً از نیمه دوم قرن بیستم در جهان متداول شده است. توسعه واژه ای است که از نظر مفهومی روند تکاملی خود را در طول زمان طی نموده و اصطلاحات جدیدی به آن افزوده شده و معنا و مفهوم متفاوتی یافته است. بروکفیلد در تعریف توسعه می گوید: فرایند عمومی موجود در این زمینه این است که توسعه را بر حسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف کنیم (kirk, ۲۰۰۱: ۷۱).

توسعه جریانی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام های اجتماع، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته های افراد و گروه های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می یابد (تودارو، ۱۳۷۸: ۲۳) از نظر فریدمن، توسعه یک روند خلاق و نوآوری در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی است (قردیایان، ۱۳۷۲: ۷). همچنین میسرآ درباره توسعه می گوید: توسعه یعنی تحول جامعه از حالتی به حالت

دیگر: به نحوی که جامعه مورد نظر ادراک بهتری از محیط خودش بدست آورده و کنترل بیشتری بر آن اعمال نماید (میسرا، ۱۳۶۶: ۶۳).

محدوده مورد مطالعه:

استان لرستان با مساحتی حدود ۲۸۲۹۳ کیلومتر مربع در ناحیه غربی ایران ۴۶ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی و ۳۲ درجه و ۴۰ دقیقه و ۳۴ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. میانگین ارتفاع آن بیش از ۲۲۰۰ متر از سطح دریا می باشد و پست ترین نقطه استان با ارتفاع ۲۳۹ متر در دشت های استان و بلند ترین قله آن اشترانکوه با ارتفاع حدود ۴۰۸۰ متر از سطح دریا در میان رشته کوه زاگرس قرار دارد. این استان حدود ۱/۷۲ درصد از مساحت کل کشور در رتبه ۱۶ استان به لحاظ وسعت قرار دارد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری این استان دارای ۱۰ شهرستان الیگودرز، بروجرد، خرم آباد، دلفان، دورود، کوهدشت، ازنا، پلدختر، سلسله و شهرستان تازه تاسیس دوره چگنی، ۲۶ شهر ۲۳ بخش و ۸۳ دهستان می باشد.

جدول ۱- جمعیت، مساحت و تقسیمات سیاسی استان لرستان

شهرستان	جمعیت	تعداد بخش			مساحت
		تعداد دهستان	تمرکز شهری	تعداد دهستان	
استان	۱۷۵۴۲۴۳	۲۳	۲۶	۸۳	۲۸۱۵۷
بروجرد	۳۲۳۸۲۶	۲	۲	۷	۱۷۰۰
سلسله	۷۴۳۵۳	۲	۲	۶	۱۴۹۳
الیگودرز	۱۴۵۸۰۸	۳	۲	۱۱	۵۶۸۰
دلفان	۱۴۰۰۰۰	۲	۱	۱۰	۲۵۷۱
پلدختر	۸۰۰۰۰	۲	۲	۷	۳۹۰۲
دورود	۱۶۰۶۸۶	۲	۲	۵	۱۳۷۴
کوهدشت	۲۱۱۸۸۶	۵	۵	۱۰	۳۹۷۷
ازنا	۷۱۵۴۸	۲	۲	۴	۱۳۴۸
خرم آباد	۴۶۵۱۰۵	۳	۳	۱۵	۴۹۳۶
دوره چگنی	۴۳۲۲۱	۱	۱	۳	۱۴۶۲

لرستان در آئینه مباحث اقتصاد سیاسی

براساس آمارهای رسمی منتشر شده، استان لرستان با وجود ۷۲٫۳ درصد از کل جمعیت کشور، تنها ۲۱ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص داده است و به تناسب جمعیت خود نتوانسته است سهمی مناسب و عادلانه از اقتصاد ملی کسب کند. شاخص نسبت تولید سرانه ملی به تولید سرانه استانی، ۸۱ برابر است که نشانگر عمق عقب افتادگی این استان از حرکت اقتصاد ملی است. مطابق گزارش معاونت برنامه ریزی وزارت صنایع و معادن در موضوع «رتبه بندی استان های کشور به لحاظ توسعه یافتگی صنعتی» که در آن شش شاخص ارزش افزوده فعالیت صنعتی و معدنی، میزان سرمایه گذاری واحدهای فعال صنعتی و معدنی، میزان سرمایه ثابت طرح های دارای حداقل ۶۰ درصد پیشرفت، میزان اشتغال واحدهای فعال صنعتی و معدنی، میزان اشتغال طرح های دارای حداقل ۶۰ درصد پیشرفت

فیزیکی و مساحت فاز عملیاتی در شهرک های صنعتی مورد استفاده قرار گرفته است. استان لرستان در این رده بندی، طی سالهای ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵ و ۸۶ به ترتیب حائز رتبه های ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۴۲، ۴۲ و ۲۴ گردیده است. علی رغم اشکالات علمی و تحلیلی در دو قلمرو تکنیک و ساختار آمارهای رسمی دولت در موضوع نرخ و شاخص های کنترلی که داعیه دولت را در این موضوع با چالش های جدی روبرو می کند، استان لرستان در سال گذشته بیشترین نرخ بیکاری را در سطح کشور به خود اختصاص داده و نکته قابل ملاحظه آنکه، این شاخص تقریباً دو برابر نرخ بیکاری کشور بوده است. بررسی ها نشان می دهد فعالیتهای اقتصادی استان با اعتبارات دولتی پیوند حیاتی دارد و از این جهت وابسته و آسیب پذیر شده است. با این وجود همواره سهم هزینه های عمرانی استان از کل کشور کمتر از سهم جمعیت استان در کل کشور بوده به عنوان نمونه طی برنامه های اول و دوم توسعه، سرانه اعتبارات عمرانی استان، یک دوم سرانه اعتبارات عمرانی کشور بوده است. بیشتر مالیاتهای دریافتی در استان، مالیاتهای مستقیم بوده است و سهم قابل توجهی از مالیاتهای مستقیم استان را مالیات بر درآمد تشکیل می دهد. سهم شرکتها و مشاغل آزاد در مالیاتهای استان کمتر از سهم مزد و حقوق بگیران است. همچنین مالیات بر ثروت کمترین سهم از مالیاتها را دارا بوده است. با این وجود میزان مالیاتهای دریافتی نسبت به ظرفیتهای مالیاتی استان کم است.

عمده صادرات استان شامل سنگ های معدنی و محصولات دامی و کشاورزی، اغلب به صورت خام و فرآوری نشده اند که نشانگر ساختار غیرصنعتی استان است. ساختار جوان جمعیت و نرخ بیکاری بالا، موجب بالارفتن ضریب بار تکفل شده است و در نتیجه تناسب بین درآمد و هزینه خانوارها را برهم زده و در نهایت مانع از ایجاد پس انداز و سرمایه گذاری قابل توجه در استان شده است. به طوری که نرخ پس انداز و سرمایه گذاری در استان بسیار کمتر از متوسط کشور است. این درحالی است که پس انداز محدود استان نیز به طور عمده از نوع سپرده کوتاه مدت و سپرده قرض الحسنه می باشد. با توجه به رابطه مستقیم میان توسعه نیافتگی گردشگری و عدم سرمایه گذاری دولت در زیرساخت های مناسب گردشگری و علی رغم قابلیت های فراوان و بسیار جذاب گردشگری در این استان، شاهد عدم شکوفایی و توسعه نیافتگی صنعت گردشگری در این استان هستیم. این نکته از آنجا اهمیت بسیار بیشتری می یابد که یکی از زمینه های اصلی حرکت توسعه در لرستان، بکارگیری توانمندی ها و ظرفیت های بخش کشاورزی است. توجه به مشکلات و ناهنجاری های پیش گفته و موارد بسیار دیگری از این دست، در ساحت حیات فردی و اجتماعی این استان، ما را به این نکته رهنمون می کند که باید با ژرف نگری بیشتر و ارتقاء سطح بحث، «چرایی» عدم تعادل ها و نابسامانی های فوق را بررسی کنیم. به دیگر سخن، باید این موضوع مبنای تفکر و تأمل قرار گیرد که چرا با وجود این همه توانمندی های گسترده و فرصت های فراوان و غیرقابل بازگشت، عقب ماندگی های ساختاری و تاریخی اینچنینی، حیات انسانی این دیار را با چالش های بسیار جدی روبرو کرده و در چرخه های باطل و ناکارآمد قرار داده است. گویی معمایی است که بر تارک حیات نوع بشر جهان سومی تنیده شده و آن پیدا کردن راه صواب و نجات است برای ادامه حیات مطلوب این جهانی و گذر از مسیرهای پیچ در پیچ و سردرگم عقب ماندگی! (اشیری، ۱۳۹۲).

ارائه راهکارها و پیشنهادها:

۱- توسعه صنعت گردشگری

اماکن تاریخی و باستانی به علت کم توجهی و نبود اعتبارات لازم جهت مرمت و نگهداری در حال تخریب و نابود شدن می باشند. در صورت توسعه صنعت گردشگری می توان انتظار داشت که از تخریب آثار تاریخی جلوگیری شده و اختصاص بودجه برای مرمت آن توجیه اقتصادی پیدا کند. ضمناً افزایش مراودات میان افراد بومی و مسافران مختلف، طرفین با فرهنگ، عادات و رسوم یکدیگر آشنا شده و شناخت فرهنگ های مختلف می تواند در ایجاد یک محیط امن و آرام برای زندگی بشر مفید واقع شود. البته درباره تاثیرات فرهنگی گسترش جهانگردی باید با احتیاط رفتار نمود تا آداب و فرهنگ و رسوم بومی آسیب نبیند.

دست یابی به توسعه گردشگری به عواملی نظیر ساختار مناسب سازمانی، برنامه ریزی و آموزش نیروی انسانی، قوانین و مقررات گردشگری و جذب سرمایه وابسته است. برای ایجاد توسعه پایدار و مناسب صنعت گردشگری وجود یک مدیریت توانا و منسجم و هماهنگی بین بخش دولتی و بخش خصوصی بسیار حائز اهمیت می باشد. دولت معمولاً چندین مسئولیت بر عهده دارد از جمله: هماهنگی سیاست ها، برنامه ریزی، تهیه آمار و انجام پژوهش، تعیین استانداردها و مقررات صنعت گردشگری، ایجاد انگیزه سرمایه گذاری، انجام برخی خدمات بازاریابی، برنامه ریزی و آموزش نیروی انسانی برای گردشگری، ساخت و گسترش تاسیسات زیربنایی. بخش خصوصی نیز مسئول توسعه تجاری و اهداف و اداره محل اقامت گردشگران و ارائه تسهیلات و دیگر خدمات گردشگری و بازاریابی برای این اماکن و تسهیلات است. با توجه به آنکه یک سازمان واحد برای اداره صنعت گردشگری ضروری می باشد، دولت برای انجام وظایفش باید یک اداره ملی گردشگری تاسیس کند، این سازمان یا وزارتخانه برای پاسخگویی به نیازهای صنعت گردشگری باید دارای بخش های گوناگونی مانند آنچه که در جدول (۱) نشان داده شده، باشد.

جدول ۲. بخش های مختلف وزارتخانه یا سازمان گردشگری

خدمات بازاریابی	برنامه ریزی و توسعه
برنامه ریزی بازار و تبلیغات	سیاست برنامه ریزی توسعه
اداره دفاتر گردشگری خارج از کشور	هماهنگی اجرای توسعه
اداره دفاتر محلی اطلاعات گردشگری	برقراری و اداره استانداردهای تسهیلاتی و خدماتی
آمار و پژوهش	تحصیل و آموزش
جمع آوری، تهیه و تنظیم گزارشات آماری	برنامه نویسی و برنامه ریزی نیروی انسانی
اداره نظام اطلاع رسانی گردشگری	برقراری و اداره استانداردهای آموزشی
انجام مطالعات پژوهشی	اداره برنامه ها و موسسات آموزشی

۲- کلید حل معمای عقب ماندگی: شناخت مدارهای توسعه نیافتگی.

با فرض سطوح تحلیلی دانش اقتصاد در سه سطح خرد، کلان و توسعه و لحاظ نمودن اینکه هر کدام از این سطوح دارای خاستگاه تاریخی مشخصی هستند. با توجه به مطالب پیش گفته و یادآوری این نکته که در نتیجه کم توجهی به علت های بنیادین توسعه نیافتگی در عرصه ملی عموماً و در استان لرستان خصوصاً، مدارهای مولد عقب ماندگی استمرار داشته اند و مشکلات و معضلات اساسی در پیش روی مدیریت اقتصادی استان در سه دهه پیش، هنوز هم همان معضلات و مشکلات هستند. در عین حال که در استاد برنامه ای پیشین استان مکرراً به تنگنانهایی نظیر شیوه تولید سنتی، کمبود نیروی انسانی ماهر، ضعف زیرساخت های توسعه ای، ضعف کارآفرینی و کمبود سرمایه گذاری در بخش خصوصی، وجود برخی مسائل قومی- قبیله ای بازدارنده و ضعف دانش فنی و... اشاره می شود، بدون کمترین تغییری همین معضلات و تنگنایای توسعه ای در آخرین سند توسعه ای استان مورد توجه قرار می گیرند (اشیری، ۱۳۹۲).

۳- تفکر علمی و توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی در درجه اول تابعی از رویکرد و طرز تلقی دولت و ملت از رشد و توسعه است. اگر این رویکرد مبتنی بر «تفکر علمی و عقلانیت باشد زمینه های توسعه اقتصادی مهیاست در غیر این صورت اگر به جای ۴۰۰ میلیارد دلاری که فقط بعد از انقلاب به اقتصاد ملی تزریق کرده ایم ۴۰۰ تریلیون دلار هم تزریق می کردیم، چه بسا با اقتصادی نابسامان تر از وضعیت کنونی مواجه می شدیم. تفکر علمی در هر جامعه ای ریشه در نظام های آموزشی و پژوهشی دارد. جست و جوگری، نقادی و اظهار نظر از موضع استقلال فکری را باید نخست در خانواده ها و سپس در دبستان ها به کودکان آموخت. سوالاتی چون «به نظر شما» و پاسخ هایی چون «به نظر من» از نخستین ساختارهایی است که کودکان باید در «گفتن» فرا گیرند. برخورد اندیشه ها در فضای احترام به اندیشه ها و دقت در ساختار منطقی استدلال ها از ارکان اصلی تفکر علمی است که باید حاکم بر نظام آموزشی و پرورشی باشد. توسعه اقتصادی صرفاً بر «علم» نیست، ریشه در نوآوری علمی دارد. رسیدن به مرزهای دانش شرط لازم و توسعه مرزهای دانش شرط کافی توسعه اقتصادی است. نوآوری های علمی نیز مستلزم رشد ابتکارات و خلاقیت های علمی است که ریشه آن در کودکان است؛ بنابراین تحول اساسی در نظام آموزش و پرورش کشور از شرایط اصلی توسعه اقتصادی است، هر چند نقش حکومت ها و توسعه نهادهای دموکراسی در ایجاد خلاقیت و ابتکار و استقلال فکری در نیروی کار و به ویژه در جوانان را نباید فراموش کرد (عظیمی، ۱۳۸۲).

۴- توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

توسعه اقتصادی نیازمند برنامه ریزی است. منظور از برنامه ریزی آن نیست که دولت برای بخش خصوصی تعیین تکلیف کند و مجموعه ای از فرامین و احکام صادر کند. بخش خصوصی به دنبال حداکثر کردن بازدهی سرمایه گذاری هاست و در هر فعالیتی که بازدهی مناسبی داشته باشد سرمایه گذاری خواهد کرد. پیش نیاز برنامه ریزی برای توسعه اقتصادی آن است که در توسعه اقتصاد ملی رویکرد جهانی داشته باشیم و با تشخیص مزیت های نسبی اقتصاد ملی در بازارهای

منطقه ای و جهانی و ارائه اطلاعات لازم به بخش خصوصی، این نکته را معلوم کنیم که منافع بلندمدت بخش خصوصی هنگامی تامین می شود که سرمایه گذاری ها در بخش هایی باشد که مزیت نسبی اقتصاد کشور در آنهاست. پس نمی توان انتظار داشت که توسعه اقتصادی کشور بدون احراز جایگاهی مناسب در روابط اقتصادی بین المللی و بدون حضور در بازارهای منطقه ای و جهانی امکان پذیر باشد، از این رو در تدوین راهبرد توسعه اقتصادی باید جایگاه اقتصاد کشور را در اقتصاد جهانی به دقت شناسایی کنیم و در مسیری گام برداریم که مکملی برای کشورهای پیشرفته صنعتی و رقیبی سرسخت برای کشورهای در حال توسعه باشیم و این همه ممکن نیست مگر با توسعه سیاسی و استقرار روابط بین الملل مناسب در صحنه جهانی. لذا برنامه ریزی برای توسعه اقتصادی مبتنی بر سه محور است؛

(۱) نو سازی و توسعه روابط بین الملل در ابعاد سیاسی و مالی و تجاری-

(۲) شناخت بخش هایی در اقتصاد کشور که با توسعه آن بتوان مکملی برای اقتصادهای پیشرفته صنعتی شد.

(۳) شناخت حوزه هایی در اقتصاد کشور که با توسعه آنها بتوان با تمام امکانات به رقابت با سایر کشورهای در حال توسعه پرداخت به شرطی که سرمایه گذاری در آن حوزه ها زمینه ساز توسعه اقتصاد ملی باشد.

۵- توسعه اقتصادی و تکمیل اقتصادهای پیشرفته صنعتی

منظور از اینکه مکملی برای کشورهای صنعتی باشیم این است که ما باید در بخش هایی قوی شویم که آنان چون پیشرفته اند ضرورتاً در آن قسمت ها ضعیف اند؛ اما آن نقاط کدامند؟

۶- کشاورزی پاک

امروزه طبقات تحصیلکرده و مرفه در کشورهای صنعتی که نسبت به مسائل بهداشت تغذیه آگاهی دارند به شدت متقاضی محصولات کشاورزی پاک اند که اصطلاحاً به آن محصولات ارگانیک می گویند. با استفاده از روش های صنعتی و مهندسی ژنتیک، بذر بسیاری از محصولات کشاورزی را به اصطلاح چنان «اصلاح» می کنند که سرمازده و آفت زده نمی شود یا عمر آنها چندین برابر می شود یا تولید آنها در هکتار چندین برابر بیشتر از بذرهای طبیعی است؛ اما متأسفانه دیگر بسیاری از خواصی را که تولید همان محصولات به روش های طبیعی داراست، ندارند در نتیجه خانوارهایی که قدرت خرید بیشتری دارند صرفاً متقاضی محصولاتی هستند که ژنتیکی نباشد هر چند قیمت آنها چندین برابر بیشتر باشد. متأسفانه چند سالی است در کشور ما برخی از انواع این بذرهای ژنتیکی جای بذرهای طبیعی را گرفته است و نه تنها مردم ما از محصولات طبیعی و پاک محروم شده اند بلکه بازارهای آینده بسیاری از محصولات کشاورزی را به کلی از دست داده ایم، زیرا به موازات افزایش آگاهی ها و رعایت موازین بهداشتی، تقاضای محصولات کشاورزی ارگانیک در آینده به شدت رشد خواهد کرد. در آن زمان به جای اینکه کشور ما صادر کننده محصولات کشاورزی ارگانیک باشد چه بسا وارد کننده آن محصولات خواهد بود. جالب توجه اینکه ولیعهد بریتانیا رهبری مبارزه با مهندسی ژنتیک در کشاورزی یعنی «محصولات GM» را بر عهده گرفته است و این در حالی است که بسیاری از سیاستگذاران بخش کشاورزی در ایران افتخار می کنند که تولید محصولات GM را رشد می دهند، اما

به این نکته توجه ندارند که تقاضای آینده طبقات مرفه و آگاه و تحصیلکرده فقط برای تولیدات طبیعی است. اعتراضات شدید مردم اروپا به تولید محصولات GM و هجوم آنان به مزارعی که مرکز تحقیقات و آزمایشگاه تولید این گونه محصولات است و حتی نابود کردن بسیاری از آنها توسط طرفداران محیط زیست و کشاورزی پاک، انعکاس زیادی در کشور ما ندارد. متأسفانه مردم ما شاهد از دست رفتن کشاورزی پاک خود هستند و این در حالی است که یکی از قطب های توسعه اقتصادی در آینده، همین کشاورزی پاک است. البته باید از صنعت و پیشرفت های صنعتی در کشاورزی استفاده کرد اما صرفاً برای توسعه کشاورزی پاک، یعنی با استفاده از دستاوردهای صنعتی به سمت کشاورزی ارگانیک و تولیدات پاک حرکت کنیم همان طور که مثلاً هلند و اسپانیا و فرانسه برنامه ریزی کرده اند و سالیانه میلیاردها دلار بابت صادرات محصولات پاک کشاورزی به دست می آورند عظیمی، ۱۳۸۲).

۷- بهره برداری از تنوع آب و هوایی، فرهنگ ها و آداب و رسوم

محور دیگری که می تواند از قطب های توسعه کشور باشد بهره برداری مناسب از طبیعت زیبا و تنوع آب و هوایی کشور و فرهنگ ها و آداب و رسوم مختلف است. بهره برداری از این ویژگی ها فقط برای جذب درآمدهای ارزی از گردشگران خارجی نیست؛ تقویت روحیه گردشگری در مردم یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی است که نقش بسزایی در اصلاح توزیع درآمد بین شهر و روستا و بین شهرهای مختلف کشور دارد. توسعه صنعت حمل و نقل، هتلداری، توسعه صنایع بومی در مناطق مختلف کشور، توسعه شبکه بانکی برای تسهیل معاملات و نقل و انتقال وجوه و تامین امنیت ملی از طریق همگرایی فرهنگی ها همگی از ثمرات افزایش جابه جایی کوتاه مدت جمعیتی در قالب گردشگری است؛ اما نباید فراموش کرد که شرط لازم برای ثمربخشی این سیاست ها، حفظ محیط زیست است

۸- بهره برداری از تنوع طبیعی تولیدات

یکی از عوامل اصلی در توسعه اقتصادی تنوع بخشی به محصولات است. امروزه در کشورهای پیشرفته به طرق مختلف سعی می کنند تنوع بخشی را به صورت های مصنوعی توسعه دهند، در حالی که تنوع در تولیدات به طور طبیعی در کشور ما وجود دارد برنامه ریزی برای به گردش در آوردن این همه محصولات متنوع در بازارهای بزرگ داخلی قطعاً از عوامل موثر در توسعه اقتصادی است (ستاری فرد، ۱۳۷۴).

۹- بهره برداری از میراث فرهنگی و سوابق تاریخی

محور دیگری که ما در آن بسیار قوی هستیم و بسیاری از کشورهای پیشرفته صنعتی و ثروتمند به شدت ضعیف اند، میراث فرهنگی و سوابق تاریخی است. البته نمی خواهیم فساد اخلاقی گردشگران فاسد را وارد کنیم اما باید توجه داشت که انتقال ارز توسط گردشگران فرهنگی بسیار قابل ملاحظه است. فرهنگ ما نقطه قوت ماست و تاریخ ما، زیبایی های طبیعت ما، وسعت کشور ما و تنوع آب و هوای آن و به ویژه هنر ایرانی سرمایه یی بس عظیم برای صنعت گردشگری است.

۱۰- توسعه بخش خدمات

یکی دیگر از قطب های توسعه اقتصادی کشور ما تولید خدمات با کیفیت بالا برای عرضه به بازارهای داخلی و خارجی است. تولید خدمات نیازمند سرمایه گذاری های سنگین و فناوری های پیشرفته نیست زیرا قبل از هر چیز به استعداد و ظرفیت های فکری و خلاقیت نیروهای انسانی تکیه دارد و همه می دانیم که ایرانیان در این امور کم نظیرند. کشور ما می تواند در تولید و صدور خدمات در سه حوزه پیشرو باشد؛ خدمات علمی، خدمات اقتصادی و خدمات هنری با استفاده از انگیزه ها و ظرفیت های بسیار بالای علمی ایرانیان، می توان دانشگاه های شاخص در کشور ساخت و دانشجویانی را از حوزه خلیج فارس و آسیای مرکزی و بسیاری کشورهای دیگر جذب کرد تا علاوه بر کسب درآمدهای ارزی، موجبات توسعه و رشد علمی کشور نیز فراهم شود. کشور ما در صدور خدمات اقتصادی و تجاری نیز می تواند پیشرو باشد. تجار ایرانی سوابق بسیار خوبی در تاریخ تجارت در خاورمیانه و آسیا داشته اند. کافی است نهادهای لازم به ویژه چارچوب های حقوقی مناسب برای توسعه خدمات تجاری در کشور ایجاد شود، بقیه کار بر عهده استعداد و خلاقیت تجار ایرانی است.

۱۱- لوازم توسعه اقتصادی

۱۱-۱- همگرایی در تعریف صورت مساله و مفاهیم پایه

لازم است ذهنیت سیاستگذاران و مدیران اقتصادی بخش دولتی و خصوصی و کارشناسان را نسبت به تعریف صورت مساله همسو کنیم. مفاهیمی چون دولت، بازار، عدم مداخله دولت و آزاد سازی و خصوصی سازی را به ویژه در مجامع کارشناسی باید به روشنی توضیح دهیم. توسعه اقتصادی مساله بسیار پیچیده ای است اما متأسفانه در کشور ما به مساله بسیار ساده ای تبدیل شده است. به بیان دیگر، علت توسعه نیافتگی را دخالت دولت در امور اقتصادی می دانیم و راه حل آن را هم خصوصی سازی به همراه سرمایه گذاری خارجی می پنداریم. بدیهی است با چنین نگرشی ساده به مساله یی به این پیچیدگی، نمی توان به توسعه اقتصادی دست یافت. البته بنا به ماهیت نظریه پردازی در اقتصاد، معمولاً همگرایی در سیاستگذاری های اقتصادی حاصل نمی شود اما در تعریف صورت مساله و مفاهیم پایه باید اتفاق نظر داشت.

۱۱-۲- اعتماد عمومی به دولت و قوه قضائیه

لازمه رشد و توسعه اقتصادی آن است که دست اندرکاران امور اقتصادی در بخش خصوصی نگران عدم امنیت اقتصادی نباشند و به صلاحیت های علمی و مدیریتی مسوولان کشور باور و به سلامت و امانت مدیران ارشد نظام اعتقاد داشته باشند و یقین کنند نهادهایی مستقل و آگاه بر عملکرد هیات حاکمه نظارت کامل دارند و منافع ملی را به بهترین وجه حفظ می کنند (ستاری فرد، ۱۳۷۴).

۱۱-۳- تسهیل جریان امور از طریق منطقی کردن ضوابط و مقررات دولتی

یکی از شاخص های توسعه نیافتگی، پیچیدگی امور در دستگاه های دولتی است که البته زمینه ساز فسادهای مالی و اداری و نارضایتی عمومی نیز هست. شفاف سازی و ساده کردن ضوابط و مقررات سهم بسزایی در افزایش کارایی

اقتصادی دارد که رشد و توسعه اقتصادی نتیجه آن است. لازم است برای عدم ضرورت حضور فیزیکی مردم در سازمان های دولتی، بانک ها و نظایر آن برنامه ریزی کرد و خدمت رسانی غیرحضور را توسعه داد.

۱۱-۴- اصلاح فرهنگ اقتصادی

فرهنگ اقتصادی در کشورهای صنعتی بر مبنای ارزش نهادن به کار بیشتر، درآمد بیشتر و زندگانی غیرتجملی شکل گرفته است. تجمل گرایی و اسراف و مصرف زدگی در این کشورها مطلقاً ارزشمند نیست. متأسفانه رسانه ها به ویژه تلویزیون و برخی مسوولان بلند پایه کشور نقش مهمی در اشاعه اسراف و تجمل گرایی در ایران داشته اند. اصلاحات فرهنگ فقط محدود به حوزه مصرف نیست، فرهنگ تولید نیز باید اصلاح شود. متأسفانه وقتی صحبت از رشد اقتصادی می شود توجهات به سرمایه به ویژه سرمایه های خارجی معطوف می شود در حالی که تولید تابعی از کار و سرمایه است. اگر روزهایی را که به بهانه های مختلف «تعطیل» اعلام می شود در نظر بگیریم و مجموع ساعات کاری را که بدین ترتیب از بخش های مختلف اقتصادی به ویژه از صنایع و خدمات خارج می شود به دقت محاسبه کنیم آنگاه فاجعه توسعه نیافتگی بهتر نمایان می شود. کشوری که برای توسعه اقتصادی باید بیشتر کار کند دارای فرهنگی است که برای تعطیلات یعنی کار نکردن ارزش بیشتری قائل است. نکته بعد اینکه باید فرهنگ اعتماد به نفس و خطرپذیری را در سرمایه گذاران جوان ایجاد کرد تا رقابت پذیری تقویت شود.

۱۱-۵- اقتدار دولت برای رشد و هدایت بخش خصوصی

از دیدگاه تاریخی در کشورهایی که بخش خصوصی موفق داشته اند، بخش دولتی همواره مقتدر و قانونمند و پاسخگو و نظارت پذیر بوده است. دولت باید از موضع قانونمندی به اصلاحات حقوقی پردازد و با استقرار امنیت قضایی زمینه های مناسبی را برای رشد بخش خصوصی فراهم کند و سپس زمام امور را به بخش خصوصی بسپارد. بخش خصوصی نیز باید این واقعیت را درک کند که فقط در پناه دولتی قانونمند و مقتدر می تواند رشد کند (ستاری فرد، ۱۳۷۴).

۱۱-۶- اصلاح نهادهای پولی و مالی

نظام بانکی نقش اساسی در توزیع ثروت ایفا می کند زیرا اینکه اعتبارات به چه افرادی یا به چه بخش هایی و تحت چه ضوابطی اعطا می شود در واقع ظرفیت های بالقوه رشد اقتصادی را در بخش های مختلف تغییر می دهد. علاوه بر این باید تمهیداتی اندیشید که منافع افراد ایجاب کند که از طریق اصلاح رفتار خویش اعتبار بیشتری نزد بانک به دست آورند و به کمک بانک ها می توان فرهنگ اقتصادی را اصلاح کرد. همچنین چون بانک نهادی است که در ابعاد گسترده ای با مردم ارتباط دارد، اصلاح نظام بانکی حتی در معنای ساده آن یعنی احترام به مشتریان و منطقی کردن عملیات بانکی در شعبه ها و ساده سازی امور بانکی و نظایر آن می تواند نقش برجسته ای در اصلاح فرهنگ اقتصادی و عقلانی کردن رفتارهای اقتصادی و جلب اعتماد مردم به نظام اقتصادی کشور ایفا کند.

۱۱-۷- اصلاح نظام مالیاتی

نظام مالیاتی در کنار شبکه بانکی، سهم زیادی در اصلاح فرهنگ اقتصادی دارد. عدالت باید مبنای نظام مالیاتی باشد؛ اما نظام مالیاتی عادلانه را باید با قدرت اجرا کرد. با اصلاح نظام مالیاتی حتی می توان مشکل مسکن را به نحو قابل ملاحظه ای تخفیف داد. در کشورهای صنعتی، مالیات بر درآمدهای بادآورده، مانند مالیات بر درآمد ناشی از افزایش قیمت مسکن، کاملاً معمول است. مابه التفاوت قیمت مسکن در دو معامله متوالی مشمول مالیات بر ثروت های باد آورده است که حتی ۴۵ درصد از آن را اخذ می کنند.

۱۱-۸- تامین اجتماعی و ضرورت یارانه ها

این تصور که با حذف یارانه ها و تخصیص منابع بر اساس قیمت های بازار می توان به توسعه اقتصادی دست یافت اساساً مبنای علمی ندارد. بقای نظام های سیاسی و اقتصادی به حمایت از اقشار آسیب پذیر است. تعادل اقتصادی در بلندمدت متکی به اقتدار سیاسی است که چیزی جز تعلق آحاد جامعه به نظام نیست. این تعلق حاصل نمی شود مگر با اثبات این امر که نظام سیاسی قانونمند و حامی حقوق افراد و شرکت ها و در عین حال تکیه گاهی برای اقشار آسیب پذیر است. فراموش نکنیم که اتحادیه اروپا سالیانه بیش از ۹۰ میلیارد دلار فقط به تولید کنندگان محصولات کشاورزی یارانه می دهد. البته اصلاح الگوی یارانه ها به ویژه برای بهینه سازی مصرف انرژی و برای تصحیح الگوی مصرف کاملاً ضروری است اما پرداخت یارانه به قصد حمایت از اقشار آسیب پذیر و ایجاد تعادل های اجتماعی و سیاسی و فراهم کردن زمینه های توسعه نیروهای انسانی از اصول اساسی در مدیریت نظام های اقتصادی است.

۱۱-۹- توجه بیشتر به ماهیت طرح های سرمایه گذاری

کشورهایی همچون کشور ما باید در تدوین سیاست های سرمایه گذاری سعی کنند حتی المقدور از پروژه های بسیار بزرگ با سرمایه برای واریزی زیاد اجتناب کنند. اگر پروژه ای را اجرا کنیم که فناوری های به کار رفته در آنها را نتوان با تکیه بر توانایی های علمی و صنعتی کشور توسعه داد به زودی آن پروژه ها به مرحله زیان دهی خواهند رسید. رشد فناوری موجب افزایش کارایی و کاهش هزینه هاست، لذا کشورهایی که قادرند آن فناوری ها را توسعه دهند در رقابت از ما پیشی می گیرند و لذا زیان دهی سرمایه گذاری های انجام شده شروع خواهد شد. از این رو بهتر است در حوزه هایی سرمایه گذاری کنیم که فناوری متوسط دارد به شرط آنکه توسعه آن فناوری ها در توان علمی و صنعتی کشور باشد (قاسمی و همکاران ۱۳۸۹).

۱۱-۱۰- دموکراسی و توسعه اقتصادی

از دیدگاه اقتصادی تاثیر نوع حکومت بر روند توسعه را باید با توجه به معیار عقلانی بودن الگوهای تخصیصی منابع جست وجو کرد. تاثیر حکومت های دموکراتیک بر رشد اقتصادی آن است که اتلاف منابع را به حداقل می رسانند و تخصیص منابع انسانی و مادی را بهینه می کنند زیرا نهاد های ملی و مستقل به راحتی می توانند عملکرد دستگاه های دولتی را زیر نظر داشته باشند و آنها را از افراط و تفریط در تخصیص منابع دور کنند. دموکراسی به معنای صحیح آن

تنها راه ممکن برای افزایش کارایی دولت است، زیرا چه بسا پروژه های عظیم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که دولت بدون ملاحظه منافع بلندمدت ملی و صرفاً با توجه به ملاحظات کوتاه مدت در اولویت قرار می دهد. فقط با پاسخگویی واقعی دولت و وجود نهادهای نظارتی مستقل که هر دو از لوازم دموکراسی است می توان سرمایه گذاری ها و عملکرد دولت ها را در راستای منافع ملی هدایت کرد.

نتیجه گیری

تعیین هدف های مشخص، خواسته ها و نیاز نواحی، استان ها و مناطق جغرافیایی کشور در قالب شاخص های توسعه یکی از مسائل مهمی است که طراحان نظام برنامه ریزی منطقه ای باید به آن توجه ویژه نمایند. بدین منظور سنجش توسعه مناطق یکی از راهکارهای کمک به برنامه ریزی است. سطح بندی توسعه، روشی برای سنجش توسعه مناطق است که اختلاف مکانی، فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق را نشان می دهد و وضعیت هر یک از مناطق را نسبت به یکدیگر از نظر سطح توسعه مشخص می کند. با این روش، روند شکل گیری توسعه قطبی مناطق مشخص می شود و در نهایت در برنامه ریزی توسعه مناطق، مناطق نیازمند و کم توسعه در نظر گرفته می شود و از عدم تعادل مناطق جلوگیری می شود.

توسعه و ارتقاء کمی و کیفی در تمامی شاخص ها در سطح شهرستان های استان باید در رأس اولویت های برنامه ریزی مسئولین استان و شهرستان قرار گیرد. در انتخاب خط و مشی و استراتژی توسعه شهرستان های استان، باید توان های محیطی، قابلیت های فنی و تکنولوژی و همچنین شرایط فرهنگی و اجتماعی شهرستانهای استان مد نظر قرار بگیرد. توجه به دانش بومی و مشارکتهای مردمی باید سرلوحه تمام برنامه ها و اقدامات توسعه ای قرار گیرد. برای ارتقاء سطح کمی و کیفی شاخص ها (بهداشتی، کشاورزی، آموزشی، جمعیت و فعالیت و...) می بایست توانها و پتانسیل های موجود در بخش کشاورزی و دامداری، صنایع تبدیلی کشاورزی، صنایع کوچک مقیاس و دستی و صنعت توریسم در نظر گرفته شود تا باعث اشتغال زایی، درآمدزایی، متعادل شدن درآمدها و کاهش فقر و بیکاری شود و گامی مهم در جلوگیری از مهاجرت بی رویه از روستاها (باید روستایی را در روستا ماندگار کنیم) و شهرستانها به مراکز استان تلقی گردد.

و با توجه به ظرفیت های فراوان در حوزه کشاورزی، دامداری، شیلات غیر ساحلی، باغات، صنعت گردشگری، مواد عظیم معدنی، جنگل های انبوه، آب فراوان، هوا، اقلیم، زمین حاصلخیز، نیروی کار فراوان و تحصیل کرده نباید هیچ جوان بیکاری داشته باشیم؛ همچنین لرستان به عنوان پایتخت پل های تاریخی جهان شناخته می شود. استان لرستان را بیشتر با جاذبه های طبیعی اش می شناسند که بی شک وجود این جاذبه های خدادادی این استان کشور عزیزمان را تبدیل به یکی از توریستی ترین و جذاب ترین استان ها کرده است. علاوه بر جاذبه های طبیعی، آثار باستانی استان لرستان نیز جزء آثار باستانی مطرح در کشور می باشند.

لرستان جواهری است که باید دوباره کشف شود و در این خصوص فقط کافی است دره‌ابه روی سرمایه‌گذاران باز شود.

منابع و مآخذ:

۱. آسایش، حسین و علیرضا استعلاجی (۱۳۸۲): اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای (مدل‌ها، روش‌ها و فنون)، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، چاپ اول، تهران.
۲. آسایش، حسین (۱۳۸۱): اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات پیام نور، چاپ سوم، تهران ۳. ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۷۹): «سنجش توسعه یافتگی روستاهای استان سیستان و بلوچستان»، مجله علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۱۳، زاهدان.
۴. از کیا، مصطفی (۱۳۸۷): توسعه پایدار روستایی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، تهران.
۵. اسلامی، سیف‌ا... (۱۳۷۲): تعیین درجه توسعه یافتگی مناطق روستایی کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۶. برزویان، صمد (۱۳۷۴): تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستانهای استان مازندران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۷. تودارو، مایکل (۱۳۷۸): توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه: غلامعلی فرجادی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ دوم، تهران.
۸. توفیق، فیروز (۱۳۸۴): «تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌های منطقه‌ای»، مجله آبادی، تهران.
۹. توفیق، فیروز (۱۳۸۴): آمایش سرزمین تجربه جهانی و انطباق آن با وضع موجود، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، تهران.
۱۰. دهمرده قلعه‌نو، نظر (۱۳۷۲): بررسی علل توسعه نیافتگی سیستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه تهران.
۱۱. رضازاده، محمد (۱۳۷۳): تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستانهای استان خراسان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۲. رضایی، علی اکبر (۱۳۹۰): برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای مدیران، انتشارات پرستا، چاپ اول، تهران.
۱۳. اشیری، سعید. ۱۳۹۲. اقتصاد سیاسی توسعه نیافتگی با مطالعه موردی استان لرستان مدارهای توسعه در برنامه‌های اقتصادی روزنامه کیهان.
۱۴. ستاری فرد، محمد. ۱۳۷۴. درآمدی بر سرمایه و توسعه. تهران، انتشارات علامه طباطبایی.
۱۵. عظیمی، حسین، ۱۳۸۲. ایران در آینه مباحث توسعه. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۶. قاسمی، وحید و همکاران ۱۳۸۹. رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم. شماره ۳۶.

17. Joa, O.S. and Maria, M.L. (2003), A Multivariate Methodology to Uncover Regional Disparities, Department to de Mathematical. Faculdade de Cienciase Tecnologia U. N. L, Lisbon, Portugal.
18. Kirk patrik, colin et al. (2001): development of criteria to assess the effectiveness of national strategies for sustainable development institute for development policy.
19. Noorbakhsh, Farhad (2004), Human Development and Regional Disparities in Iran, A Policy Model", University of Glasgow Department of Economics.
20. Pacione, M., (2003): Urban Geography, A Global Perspective, 2th, London: Routledge.
21. Yu. Danlin and Yehua Dennis Wei., (2003): "Analyzing Regional Inequality in Post- Mao China in GIS Environment", Eurasian Geography and Economics, Vol. 44, No. 7, PP.